بررسی معانی واژگان نسب، حسب، شرف و کرم و شرح فقرات مربوطه

خب، حالا [معنای] کرم چیست؟؛ کرم هم به‌معنای بالا بودن و دوری است. در لغت «حسب» را از داده حساب و شمردن گرفته‌اند؛ «عدّ مفاخر آلآباء»؛ همانی که می‌گویند فلانی حسب و نسب دارد. نسب دارد، یعنی پدرش و طایفه‌اش معلوم است. مثلاً می‌گویند: تو چه کسی هستی؟؛ می‌گوید: بای فلان محل ای فلان شهر، همه من را می‌شناسند. «همه من را می‌شناسند»، نسب می‌شود. یعنی می‌دانند پسر چه کسی هستم، خویش و قوم‌های ما چه کسانی هستند. این نسب است. «حسب» این است که می‌گوید بای فلان شهر، هر کسی که می‌بینی، مدح من و پدرانم را می‌گوید. «حسب» خصوص مفاخر آباء است. یک شعری را هم آورده است؛ شاعر می‌گوید: هر کسی که یک اصل قویم و نسب دارد، اما آبائش مفاخری ندارند، فایده‌ای ندارد. صرف نسب، فایده ندارد که بگویند من فرزندان اینها هستم که تا امیه می‌رسد. خُب، تا امیه می‌رسد و نسب معلوم است اما آیا حسب هم هست؟ یعنی آباء مفاخر دارند یا ندارند؟ این در فرق بین حسب و نسب است. حسب، شمردن و حساب کردن است. انگشتانش را می‌آورد و می‌گوید این مفاخر اول است، دوم این مفخره است و ... . عد المفاخر برای آباء است.

کرم و شرف، هم همین است، اگر در نسب حساب کنیم. از حیث لغوی، حدسا عرض می‌کنم؛ ببینید شاهد پیدا می‌کنید یا خیر. شرف، علوی است که از بالا نگاه می‌کنید؛ لذا ایوان را که می‌بینید، می‌گویند مشرف بر این است. شرف، اشرف، مشرف، یعنی یک چیزی از بالا احاطه دارد و ناظر به پایین است. اما کرم، خیال می‌کنیم برعکس است. وقتی به دانئت و پَستی می‌روید، وقتی با پستی و پایینی دم ساز می‌شوید، اگر از این پستی چیزی را بالاتر ببرید، کرم می‌شود. مثل بخل مطرح می‌شود، می‌گویند: «اکرم من ذلک». اکرم، یعنی دانئت بخل در او نیست. پس کرم، این است که او را از موضع پایین مدام بالا می‌برید. از دانئت او را بالا می‌برید. دوری را دانئت است. کریم، یعنی البرئ من الدنائه، البرئ من العیب. خیلی تفاوت دیدگاه می‌شود. کرم هم بالا است اما بالایی است که او را از پایین بالا می‌برید و برتر از پایین می‌کنید. اما شرف، از همان بالا خودتان می‌گویید بالا است.

بازبینی #2
ایجاد شده 7 نوامبر 2024 15:42:32 توسط ... .
به روزرسانی شده 28 نوامبر 2024 10:45:08 توسط ... .